

وقتی عشق
بر کوره راه‌های سخت گذر
پل می‌زند

سر مشق زندگی آقا معلم



یوسف حیدری / آرزوی زهرا با بقیه بچه‌ها فرق داشت. بچه‌های کلاس می‌خواستند دکتر و معلم و خلبان شوند اما او آرزو داشت بتواند مثل بقیه بچه‌ها راه برود و بازی کند. یک‌ساله بود که با در رفتگی لگن، دنیای کودکی‌اش با درد و رنج همراه شد. وقتی سه ساله بود، پدر و مادر او را برای معالجه به شهر بردند اما دیر شده بود و باید جراحی می‌شد. اما تأمین هزینه عمل جراحی برای این خانواده عشایر غیرممکن بود. زهرا به حال خودش رها شد و درد، بخشی از زندگی‌اش شد. اما فداکاری معلم روستای سرین چم عزیز او را دوباره به زندگی برگرداند. آقا معلم تلاش کرد و پرونده پزشکی زهرا را نزد پزشکان اهواز و آبادان برد تا سرانجام یکی از پزشکان خیر در بیمارستان گلستان اهواز او را عمل کرد. حالا زهرا این روزها در خانه میزبان آقا معلم است که هر روز در کنار عیادت تلاش می‌کند او از کلاس درس عقب نماند.

فریدون باقری معلم روستای سرین چم عزیز از توابع بخش مرغاب شهرستان ایذه یکی از معلمان نمونه‌ای است که در کنار تدریس لبخند را به چهره درد کشیده یکی از دانش‌آموزان نشانده. می‌گوید معلم وقتی وارد کلاس درس می‌شود، آنجا خانه‌اش و دانش‌آموزان بچه‌های او می‌شوند و نمی‌تواند در برابر درد و رنج آنها بی تفاوت باشد: «اولین سالی است معلمی را تجربه می‌کنم. خودم مدرسه این روستا را برای تدریس انتخاب کردم. به دلیل دور بودن روستا و مسیر ناهموار آن کسی حاضر نمی‌شد آنجا را برای تدریس انتخاب کنم اما انتخاب من این روستا بود. هر روز با موتورسیکلت برادر همسرم مسیر ۳۵ کیلومتری شهر تا روستا را می‌روم و برمی‌گردم. مسیر خاکی و ناهموار است اما وقتی می‌دانی بچه‌های کلاس چشم انتظار هستند، سختی مسیر کمتر می‌شود. ۸ دانش‌آموز دارم که در ۴ پایه تحصیل می‌کنند. در این مدت سعی کردم با بچه‌ها رفیق باشم. یکی از روزها متوجه شدم زهرا گریه می‌کند. می‌دانستم با سختی راه می‌رود. علت را از بچه‌ها جویا شدم؛ گفتند زهرا وقتی روی این نیمکت‌های جدید می‌نشیند، پاهایش بشدت درد می‌کند. موضوع را پیگیری کردم و مشخص شد در کودکی لگن او در رفته و باید در سه سالگی جراحی می‌شد اما خانواده به دلیل مشکل مالی نتوانستند این کار را انجام بدهند. زهرا با همین وضعیت رشد کرده بود و درد زیادی هم داشت.»

آقا معلم آماده می‌شود تا به منزل خاله زهرا برود. زهرا این روزها بعد از عمل جراحی سنگین دوران نقاهت را در خانه خاله‌اش در ایذه سپری می‌کند. آقا معلم هر روز یک ساعت به او درس می‌دهد تا از بقیه بچه‌ها عقب نماند. فریدون از عمل جراحی زهرا گفت و ادامه داد: «تصمیم گرفتم برای زهرا کاری کنم. با کمک دو نفر از همکاران در گروه آموزش ابتدایی و معاونت آموزش ابتدایی سعی کردیم هر چه زودتر شرایط عمل جراحی را مهیا کنیم. بارها در این راه با جواب منفی پزشکان مواجه شدم اما دل‌سرد نشدم. سرانجام دکتر سیفی جراح بیمارستان گلستان اهواز قبول کرد تا رایگان زهرا را عمل کند. با وجود اینکه این عمل جراحی هزینه ۱۲۰ میلیون تومانی داشت اما رایگان انجام شد. زهرا این روزها دوران نقاهت را سپری

می‌کند. لبخند او وقتی به دیدنش رفتیم، یک دنیا برای من ارزش داشت. حالا هر روز یک ساعت در خانه به او درس می‌دهم تا از بقیه بچه‌ها عقب نماند. خوشحالم با کمک همکاران توانستیم او را به آرزویش برسانیم.»

معلم کوهستان

زندگی معلم‌های عشایر با کوهستان و رودخانه پرآب و جاده‌های ناهموار گره خورده است. ۱۰ ساعت پیاده‌روی در کوهستان به عشق دانش‌آموزانی که چشم انتظار آمدن معلم هستند، زیباترین تصویری است که فقط در مدارس عشایری اتفاق می‌افتد. اما سختی این مسیر برای معلمان فداکاری که در دل شوق آموختن به این بچه‌ها را دارند، همیشه هموار است. مدرسه کاه‌گلی روستای فالج در بخش ده‌دز شهرستان دزفول خانه معلمی است که به شوق آموختن به دانش‌آموزان مسیر صعب‌العبور کوهستانی را در ۱۰ ساعت طی می‌کند. روزها این کلاس محل آموختن به ۱۱ دانش‌آموز روستا است و شب‌ها خانه آقا معلم.

رضا باقری زنگوئی یکی از معلم‌های برتر استان خوزستان است که این روزها بچه‌ها را برای کوچ بهاره بدرقه می‌کند. می‌گوید سختی ۱۰ ساعت پیاده‌روی در کوهستان و مسیر ناهموار با دیدن دانش‌آموزانی که کنار دیوار مدرسه انتظار می‌کشند، شیرین می‌شود: «بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه، رشته آموزش و پرورش ابتدایی را برای ادامه تحصیل انتخاب کردم. عشایر زاده هستم و در همین چادرهای عشایری درس خواندم. می‌دانم بچه‌های عشایر که شاید زندگی در شهر و مدرسه‌های شهری را تجربه نکنند، چقدر شوق آموختن دارند. به همین دلیل از ابتدا هم دوست داشتم معلم شوم و به بچه‌های عشایر درس بدهم. وقتی قرار شد به عنوان سرباز معلم به روستاهای عشایری بروم، تصمیم گرفتم تدریس در مدرسه روستای فالج را انتخاب کنم. یکی از قدیمی‌ترین روستاهای استان خوزستان که بسیار دورتر از مرکز است. وقتی قرار باشد به عنوان سربازمعلم به روستاها بروید، نمی‌توانید مدرسه را انتخاب کنید و آموزش و پرورش انتخاب می‌کند اما این مدرسه را خودم انتخاب کردم. می‌دانستم کسی آنجا را انتخاب نمی‌کند و دوست داشتم اولین تجربه کاری‌ام سخت باشد. البته واقعاً در

این یک سال سختی زیادی کشیدم اما وقتی به چشمان معصوم بچه‌های عشایر نگاه می‌کنم، سختی‌ها را فراموش می‌کنم. برای رفتن به این روستا که در ارتفاعات قرار دارد، باید ۱۰ ساعت پیاده‌روی کنید. در مسیر کوهستان حیوانات وحشی زندگی می‌کنند. از خرس و گرگ بگیر تا کفتار و روباه. در این روستا خبری از امکانات اولیه نیست و تلفن همراه هم آنتن ندارد. از اواسط پاییز که برف می‌بارد، برف و سرما تا اردیبهشت ماه هم ادامه دارد. زمستان هم مسیر رفت و آمد بسته می‌شود. زمستان اگر کسی از اهالی روستا بیمار شود و نیاز به بیمارستان پیدا کند، اورژانس هوایی اینجا می‌آید. برای رفتن به روستا از قبل با چند نفر از اهالی هماهنگ می‌کنم که در ارتفاعات دنبالم بیایند تا حیوانات وحشی به من حمله نکنند. آنها در ارتفاعات منتظر می‌مانند تا همراه‌شان به روستا بروم. هر ۴۵ روز یک بار هم به ایذه برمی‌گردم.»

آقا معلم این روزها بچه‌ها را برای کوچ بهاره آماده می‌کند. می‌گوید: «امتحانات پایان سال تحصیلی دانش‌آموزانی که مدرسه‌شان در ارتفاعات است باید قبل از ۱۳ اردیبهشت برگزار شود. از ۵ روز قبل هم خانواده‌های عشایر روستا آماده کوچ شدند و من هم امتحانات را برگزار کردم و سال تحصیلی تمام شد. آنها ۲۰ مهر برمی‌گردند و سال تحصیلی جدید آغاز می‌شود. از همین امروز برای ۲۰ مهر لحظه‌شماری می‌کنم. ۱۱ دانش‌آموز داشتم که در شش پایه تحصیل می‌کردند و ۵ دانش‌آموز پیش دبستانی داشتم. بچه‌های خجالتی که معصومیت در نگاه‌شان موج می‌زند. مردم روستا به من لطف دارند و هر بار که آنجا می‌روم، به من محبت می‌کنند. در همان اتاق گلی که کلاس درس است، زندگی می‌کنم. با وجود اینکه معلم‌های پایه ابتدایی هفته‌ای ۲۴ ساعت باید تدریس داشته باشند اما به دلیل شرایط بچه‌ها ۴۸ ساعت در هفته تدریس می‌کردم. حالا این روزها دلم برای بچه‌ها تنگ شده است. زینب یکی از باهوش‌ترین بچه‌های کلاس من بود. با وجود اینکه در پایه چهارم تحصیل می‌کرد اما همه مسائل ریاضی پایه ششم را بلد بود؛ او یک نابغه است. متأسفانه در مناطق عشایری خیلی از بچه‌ها فقط تا پایه ششم تحصیل می‌کنند.

